

نوشتن

مهارتی برای همه رشته‌ها

تبیین نگرش میان رشته‌ای آموزش مهارت نوشتن

گزارش: اسدالله مشایخی

عکس: اعظم لاریجانی

دچار آنفلوآنزای نوشتن شده‌ایم

سیس دکتر محمود امانی طهرانی،

مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های

درسی ابتدایی و متوسطه نظری،



ضمن قدردانی از برگزارکنندگان این همایش، سخنان خود را با استناد به آیاتی از قرآن کریم شروع کرد و معجزه پیامبر اسلام را که قرآن است، بیان کرد و با اشاره به سوگند قرآن به قلم و نوشتن گفت: بحث نوشتن که بحث این جلسه است، از جنس همان قسم مقدس است که مسیر مرادۀ اندیشه‌ها را باز می‌کند. ما در سازمان هیچ نقشه‌ای برای نوشتن نداشتیم اما امروز به تمام ابعاد نوشتن می‌اندیشیم و تلاش می‌کنیم مسیره‌های تازه‌ای بکشاییم.

«خارج کردن مهارت نوشتن از محدوده خاص یک حوزه و تسری آن به دیگر حوزه‌های درسی» بخش بعدی سخنان دکتر امانی طهرانی بود. وی تأکید کرد: امروز به انواع نوشتن‌ها نیازمندیم، از موضوعات علمی و اندیشه‌ای تا روزنامه‌نگاری و...

در ادامه، دکتر امانی، شایسته‌سالاری را مدل جدید هدف‌گذاری معرفی کرد و گفت: شایستگی یعنی توانایی همراه با تسلط که موقعیت یادگیری را در همه درس‌ها فراهم می‌کند.

وی نوشتن را بسیار مهم دانست و گفت: عمده مسائل با نوشتن است. پس باید روی این موضوع مهارتی تمرکز کنیم و وقت بگذاریم. نوشتن باید از فقط ادبی و انشایی بودن خارج شود. آخرین نکته‌ای که دکتر امانی به آن پرداخت،

همایش «تبیین نگرش میان رشته‌ای آموزش مهارت نوشتن در برنامه‌ریزی درسی» توسط گروه زبان و ادب فارسی دفتر برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی برگزار شد. هدف همایش تقویت مهارت‌های نوشتن میان دانش‌آموزان بود. این همایش چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه ۹۳ و با حضور کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار گردید.

دکتر اکبری نخستین سخنران همایش بود. وی برنامه‌هایش را با سه کلیدواژه رویکرد میان رشته‌ای، مهارت نوشتن و برنامه‌ریزی درسی معرفی کرد. دکتر اکبری به پیشینه برنامه همایش اشاره کرد و گفت: زمانی که کار تألیف کتاب مهارت‌های نوشتاری را شروع کردیم، کتاب‌های زیادی درباره مهارت‌های نوشتن خواندیم، چه داخلی و چه خارجی. پیشینه ۹۰ ساله کشور خودمان را هم مطالعه کردیم و هرچه پیش‌تر آمدیم، در ذهن مان ایستگاه‌هایی برای اندیشیدن ایجاد شد. یکی از پرسش‌ها این است که چگونه می‌توان آموزش نوشتن را در دیگر درس‌ها انجام داد؟

وی از شاخصه‌های تخصصی یاد کرد و با اشاره به «وحدت علوم» که دارای مبنای نظری است، گفت: ممکن است اشاره به «وحدت علوم» ذهن شما را متوجه عرفان کند، اما مقصود من این است که همه شاخه‌های علوم برای فربه ساختن ذهن می‌کوشند.

دکتر اکبری با بیان اینکه زبان فارسی دو نمود آشکار دارد که گفتار و نوشتار است، به طرح این پرسش پرداخت که: «اگر نوشتن کمک به گسترش علوم است، نگرش میان رشته‌ای به نوشتن میان برنامه‌های درسی چقدر اهمیت دارد؟»



کتاب‌های ریاضی خواستار جایگزینی واژه‌های آشنا و نگارش مناسب با ذائقه دانش‌آموز شد.

نوشتن، مهارت بی‌سقف

خانم دکتر شهین نعمت‌زاده نوشتن را جزو علوم شناختی معرفی کرد و درباره تفاوت‌های نوشتن و یادگیری



گفت: نوشتن عادت تولیدی است. خواندن و گوش دادن، ادراکی است اما نوشتن تولیدی است. مهارت کتبی است در کنار مهارت شفاهی. مهارت بصری است. نوشتن مهارت اکتسابی است. مهارت نوشتاری را باید آموزش داد اما یادگیری را باید تقویت کرد.

وی افزود: دو مهارت خواندن و گوش دادن، قبل از دبستان و رشد اصلی تمام می‌شود. چیز بیشتری نمی‌شود یاد داد. اما آنچه مهم است و سقفی ندارد مهارت نوشتن است و تا آخر عمر می‌شود نوشتن و خواندن را ادامه داد.

دکتر نعمت‌زاده مهارت زبانی را دارای سلسله‌مراتبی دانست و گفت: این مهارت سادگی و پیچیدگی دارد. بیشتر کلمه‌ها را می‌فهمیم اما کلمه‌های کمتر می‌توانیم تولید کنیم. نوشتن مشکل‌ترین مهارت زبانی است.

وی گسترش علم در مسیر تاریخی را هم عمودی و هم افقی خواند و گفت: در گسترش عمودی، علم عمیق و تخصصی شده و به تخصص‌های ریزتر تقسیم می‌شود، اما در گسترش افقی، دو یا چند رشته فصل مشترک پیدا می‌کنند مثل مهندسی پزشکی. آموزش نوشتن هم چندرشته‌ای است؛ روان‌شناسی، زبان‌شناسی، علوم شناختی، رایانه، برنامه‌ریزی و ...

دکتر نعمت‌زاده گفت: نباید نگرش جزیره‌ای باشد. باید قفل و زنجیرها را باز کنیم و نوشتن را به همه رشته‌ها پیوند دهیم. کلمه‌های غریب را حذف کنیم. بچه‌ها را به جای بیشتر خواندن به بیشتر نوشتن ترغیب کنیم. درس را خلاصه‌نویسی کنیم.

پس از پیشنهاد دکتر اکبری مبنی بر جایگزینی کلمه‌های روان به جای کلمه‌های سخت در کتاب‌های درسی، دکتر صادقی از دانشگاه علامه طباطبائی سخنرانی کرد و گفت: سال گذشته آموزش نویسندگی برگزار کردیم. اساتید ادبیات انگشت‌شمارند و نگاه به انشا در آموزش و پرورش میان‌رشته‌ای است و اتفاقاً مقالات بسیار خوبی رسید که رشته تخصصی نویسندگان آن‌ها ادبیات نبود.

وی نوشتن را محصول فرهنگی دانست و آن را زاینده فرهنگ نویسنده معرفی کرد و از معلمان خواست به جای انشاهای تکراری، دانش‌آموزان را به بیرون از مدارس بفرستند تا از مشاهداتشان در جامعه‌بنویسند.

همانگی و دقت در آموزش بود. وی با بیان اینکه غربی‌ها در نوشتن دویست سال از ما جلوترند، گفت: شفاهی ما بهتر از نوشتن مان است. البته از قدیم این‌طور نبود. از دوره‌های دچار آنفلوانزای نوشتن شدیم. امیدواریم با همت شما، کلید این موضوع مهم زده شود و جبران کوتاهی‌های گذشته بشود.

نوشتن، مجال برای معناسازی

دکتر اکبری مجدداً به ایراد سخن پرداخت و طرح میان‌رشته‌ای شدن نوشتن را جسارت دانست و پرسش‌هایی را با همکارانش طرح کرد: همکاران به‌عنوان مؤلفان کتب درسی آیا فقط وظیفه نگاه از روزنه تخصصی و انتقال موضوع را دارند؟ اگر می‌خواهند موضوعی را انتقال دهند با چه زبانی باشد؟

وی ضمن اینکه از همکارانش خواست به این پرسش‌ها فکر کرده و راهکار پیدا کنند، به بیان چند راهکار پرداخت، از جمله، گذر از مرزهای زبان فعلی برای پرورش ذهن مخاطب تا مجال برای معناسازی ذهن شود. وی گفت خطاست که دنبال معناسازی در متن باشیم. باید بگذاریم ذهن به معناسازی تازه‌ای برسد.

دکتر اکبری با تأکید بر این نکته که تمام جویبارهای حوزه یادگیری به رود ذهن می‌ریزند و پرورش را سبب می‌شوند، به برخی کتب قدیمی از جمله کیمیای سعادت، و به وصف مورچه‌ای در این کتاب، اشاره کرد که در آن مورچه در روزنه قصری می‌زیست و از همان روزنه تنها گوشه‌ای از قصر را می‌دید؛ که غزالی، خطاب به انسان، نتیجه‌گیری می‌کند که: خانه بس بزرگ است و چشم تو مختصر! سپس اکبری گفت: ما باید از این مختصر چشمی‌ها عبور کنیم. هر یک از گروه‌های درسی ما مورچه‌ای است درون قصری بزرگ. هر یک سوراخی دارند و از آن به دنیای برنامه‌ریزی درسی نگاه می‌کنند. ولی باید دانست که مخاطب ما انسان است با فراخنای ذهنی بزرگ و وسیع برای پذیرش.

وی همچنین در بحث از میان‌رشته‌ای و نوشتن، به لهجه‌ها و گویش‌های مختلف اشاره کرد و گفت: اگر قرار شود همه لهجه‌ها بر طبل تعصب خود بکوبند، وحدت زبان فارسی از میان می‌رود. اگر قرار شود مؤلف ریاضی فقط به تخصص خود فکر کند دچار تعصب شده است. زندگی واقعی نمودی از چندسویگی است. فقط با ریاضی و فارسی و علوم نمی‌توانیم ذهن دانش‌آموز را فعال و مشتاق کنیم. اگر می‌خواهیم ذهن‌ها از خشکی به باروری و زایش برسند، نباید دچار تعصب رشته شویم. باید از رشته خود عبور کنیم و به همه رشته‌ها فکر کنیم. وی با ذکر چند مثال از واژه‌های به کار رفته در

دکتر امانی

طهرانی:

خارج کردن مهارت نوشتن از محدوده خاص یک حوزه و تسری آن به دیگر حوزه‌های درسی ضروری است



دکتر صادقی با طرح این پرسش که انشا در قالب دیسیپلین به چه کار دانش آموز می آید، گفت: انشا را در پاراگراف و ویرگول و نقطه محدود نکنیم. با این دیسیپلین چند نویسنده بار آوردیم؟ محتوا را می گیریم و قالب را داده ایم. از بچه ها بخواهیم درباره زندگی پیرامون خود بنویسند بعد قواعد را در این نوشته ها به بچه ها یاد بدهیم.

دکتر مظاهری خواستار جایگاه نوشتن در اسناد بالادستی و تحولی برنامه های درسی شد. وی با اشاره به برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری، اهداف دوره های تحصیلی و جدول عناوین درس ها، از کاهش حوزه های یادگیری به رقم یازده خبر داد. وی این جلسه را تلنگری به خود و همکاران دانست تا بیشتر به موضوع مهارت نوشتن بپردازند.

میزگرد

پس از سخنرانان همایش، میزگردی با حضور **جعفری، حاجی بابایی، خلیلی، دکتر ذوالفقاری، گودرزی،**



علی پور و خانم دکتر دانشور برگزار شد.

دکتر ذوالفقاری فلسفه نشست را نویسندگی ذکر کرد و همایش را دنباله بیانیه های سال گذشته دانشگاه علامه دانست و گفت: یکی از مسائل مطرح همایش علامه، این بود که انشا و نویسندگی را در مدارس محدود و متوقف نکنید. نویسندگی مهارتی خاص رشته زبان و ادبیات فارسی نیست. این مهارت را در این درس ها تقویت می کنیم تا ابزاری شود برای دیگر رشته ها. زبان متعلق به تمام زندگی دانش آموز است. هر چه بهتر بنویسند کمک به تغییر سبک زندگی هم هست.

وی از تشکیل کارگروه هایی برای این موضوع خبر داد. حاجی بابایی از پیشکسوت این موضوع به نام **میرزا خلیلی** یاد کرد و گفت: از ایشان تجربه های بسیار آموختم. مثلاً یک بار تعریف می کرد که معلمی از کرمان گفته بود در کتاب ریاضی این مسئله را طرح کرده اند که: هفت کبوتر روی دیوار نشستند. سه کبوتر کنار حوض می روند برای نوشیدن آب، چند کبوتر روی دیوار مانده اند؟ بچه های منطقه ای از کرمان گیج و مبهوت معلم را نگاه می کردند و نمی فهمیدند هفت کبوتر چطوری روی دیوار نشستند؟ چون آن ها معنای «روی دیوار» را متضاد «پشت دیوار» می دانستند و تعجب می کردند کبوتر چه طوری روی دیوار می تواند بنشیند؟ بعد یکی پیشنهاد داد بنویسیم سر دیوار که معلمی از منطقه دیگری مدعی شد در آنجا سر معنای دیگری دارد. به این نتیجه رسیدند شکل دیوار را بکشند. باید از تک تک واژه ها مطمئن شویم که قابل فهم همگان است.

خانم دکتر دانشور مسئول گروه سبک زندگی نیز با ذکر مثالی از نادرشاه شروع کرد و گفت: بچه به مادرش می گوید نادرشاه با سوزن فرزندش را کشت. «سوءظن» را «سوزن» متوجه شده. نوشتن سبب می شود از کلمه های روان تر و قابل فهم تر استفاده شود و برای این کار تا مهارت ادراکی اتفاق نیفتد، انتظار نوشتن هم نداشته باشیم.

وی با یادآوری امتحانی درباره چگونه بخوانیم و بنویسیم، گفت: دانش آموزی نبود که میانگین نمره را آورده باشد. نتیجه اینکه درک مطلب و سواد خواندن پایین است. پس ابتدا خواندن را دریابیم، بعد نوشتن را.

دکتر دانشور هم چنین به سه مانع سر راه برنامه ریزی میان رشته ای و بین رشته ای اشاره کرد و گفت: مانع سازمانی و مهارت های حرفه ای و موانع فرهنگی اجتماعی، سه مانع این راهند.

گودرزی نگاه جزیره ای به آموزش در سازمان و نیز فقدان جذابیت را سبب نقص آموزش معرفی کرد. وی رسایی زبان را مورد تأکید قرار داد و پرسید: چرا در دنیا روی بندنویسی تکیه می کنند؟ چون هر بند ساختار را رعایت می کند. وی با بیان اینکه زبان به دو دسته علمی و ادبی تقسیم می شود، گفت: آیا آموزش علوم تجربی با زبان معارف اسلامی یکی است؟

گودرزی درباره حوزه مخاطب شناسی نیز گفت: آیا نوشتن برای گروه های سنی را رعایت می کنیم؟ نزدیک به ده خصیصه در زبان کودک وجود دارد که باید با توجه به آن ها برای کودک نوشت.

دکتر دانشور نوع آموزش را اولویت دانست و گفت: مسئله معلم ها مهم تر است. الان فقط معلم ادبیات مهارت نوشتن دارد. اما از معلمی که دستور زبان درس می دهد نباید توقع مهارت نوشتن داشت. اولین آسیب این است که بار نوشتن را به دوش معلمان گذاشته ایم و انتظار ایجاد کرده ایم. باید همه نتایج را کنار هم بگذاریم و نظر دیگر همکاران را در این زمینه بشنویم و بعد تصمیم گیری کنیم. خلیلی، از مؤلفان کتب درسی فیزیک، نوشتن را از جنس آفرینش معرفی کرد و گفت: وقتی رونویسی می کنیم از جنس تولید است. اما وقتی خودمان می نویسیم آفرینش است.

وی با اشاره به اینکه نوشتن مشکلی جهانی است، گفت: بخشی را به کمک ارزشیابی حل کردند. لابه لای کتب فیزیک و علوم نقشه های مفهومی وجود دارد که از بچه ها می خواهد برای آن ها متن بنویسند

خلیلی استفاده از تجارب جهانی و ارتقای مهارت نوشتن در معلمان را از دیگر راه های رسیدن به مقصد عنوان کرد.

دکتر صادقی:
معلمان باید به جای
انشاهای تکراری،
دانش آموزان را به
بیرون از مدارس
بفرستند تا از
مشاهداتشان در
جامعه بنویسند

